

متن پرسش

اغلب مردان از همان بچگی میل به جنگیدن دارند به طور مثال دوست دارند پلیس باشند و سرباز باشند و... و دختران از همان بچگی خاله بازی می‌کنند و بیشتر کارهای عاطفی انجام می‌دهند. یک سوال اینجا مطرح است که می‌گویند امتحان مردان جهاد و امتحان زنان تحمل این است. اگر مرد زن دوم گرفت صبر کند. من هرچه فکر کردم دیدم که برای مردان که از همان ابتدا تمایل خاصی به جنگ و کارهای اینجوری دارند این امتحان زیاد هم سخت نیست اما برای زنان که عاطفه ای قوی دارند اینکه هوو داشته باشند دردناک خواهد بود، در جای جای اسلام و احکام آن مشاهده می‌شود که خدا اصلا توجهی به عاطفه ی قوی که به زن داده نکرده، یا به طور مثال مرد نیاز جنسی بیشتر دارد و زن نیاز عاطفی بیشتر، مرد با گرفتن زن نیازش می‌تواند کاملا برطرف شود اما مرد را خدا طوری نیافریده که به نیاز عاطفی زن درست پاسخ دهد، منظورم این است که زن چون فیزیکش را خدا آفریده و چیزی نیست که خودش کسب کرده باشد به راحتی جواب نیاز مرد را می‌دهد اما مرد را خدا اینطور نیافریده تا آن ابراز محبتی که زن احتیاج دارد را بتواند به طور کامل برطرف کند. این مسئله با تعدد زوجات هم بدتر می‌شود. من نمی‌دانم که منظورم را درست رساندم یا نه اما امیدوارم به مفهوم و منظور چیزی که می‌گویم توجه کنید و اگه از کلمات درستی استفاده نکردم ایراد نگیرید می‌دانید از همین مسئله همیشه سوال راجع به عدالت خدا هم بیرون آورد. انگار خدا خواسته مدام زن را زجر دهد. برای یک نیاز جنسی مردان کلی احکام بیرون آمده و کلی حقوق به نفع مردان، چون آنها میل بیشتری دارند، اما به همان میزان راجع به عاطفه ی زن چیزی نیامده و یا در قرآن اشاره نشده، مثلا راجع به رفتار با زنی که به حرف شوهرش گوش نمی‌دهد آیه ی قرآن داریم اما برای اینکه مرد نیاز عاطفی را زن را برطرف نکند هیچ، بیشتر خیانت های زنان به خاطر همین مسائل عاطفی است، اگر زن نیاز مرد را برطرف نکند باز مرد می‌تواند یک زن دیگر بگیرد ولی اگر مرد نیاز عاطفی زن را برطرف نکند زن چه باید بکند؟ شاید برای شما قابل درک نباشد چون مرد هستیید و نمی‌دانید که همین موضوع عاطفه و احساسات اگر بهش توجه نشود می‌تواند یک زن را تا فروپاشی ببرد اگر خدا زنان را هم مثل مردان منطقی تر می‌آفرید پذیرش این سری چیزها برای زنان به مراتب راحت تر می‌شد، دقیقا مثل همان میلی که به پسرها برای جنگ و محافظت و... داده راستش من هیچ عدالتی نمی‌بینم و از چهارده سالگی تا همین الان که بیست و یک سال سن دارم زندگی ام جهنم شده بسیاری از محدودیت های زن به خاطر همین احساسات و عاطفی قوی زن به وجود آمده مثل همین قانون که زن نمی‌تواند قاضی شود و... مشکل من نگاه خدا به زن است و عدالت خدا و حکمت خداست. من اصلا نمی‌توانم

خودم را قانع کنم که این دین را نگه دارم اگر اسلام می‌گفت زن از مرد پست تر است و انسانی تنزل یافته پذیرشش به مراتب راحت تر می‌شد. یا اگر مرد فقط انسان بود و زن را برای مرد خدا می‌آفرید زن نه زیبایی اش به سود اوست، نه عاطفه اش زیبایی اش برای مردان و عاطفه اش برای فرزندان برای خودش فقط ضرر است، به خاطر زیبایی حجاب آمده، به خاطر عاطفه محدودیت های دیگر من واقعا وضع بحرانی است اینها یک درصد از چیزی که در ذهن من ایجاد شده هم نیست لطفا کمک کنید. راستش را بخواهید من به طور کلی از جنسیت متنفر شده ام و فکر می‌کنم شاید یکی از دلایلی که عالم زن زیاد نداریم همین موارد است و خیلی چیزهای دیگر که کتاب می‌شود اگر بنویسم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: سخن در این مورد بسیار است. پیشنهاد بنده آن است که ابتدا به کتاب «زن در آینه جلال و جمال الهی» از آیت الله جوادی رجوع فرمایید که به گفته خواهرانی که آن کتاب را مطالعه فرموده‌اند چه اندازه اسلام، جایگاه حساسی برای زن قائل شده است، هرچند ممکن است مردان و زنان ما متوجه چنین جایگاه حساسی که به یک معنا جایگاه مادرانه است؛ نشوند جایگاهی که هر انسانی تنها ذیل حضور مادرانه زن، معنای خود را می‌یابد. پس از مطالعه آن کتاب پیشنهاد می‌شود به کتاب «زن؛ آن‌گونه که باید باشد» رجوع شود. برای مواجهه با آیاتی که جایگاه خاصی برای زن قائل می‌باشد. کانال «بشنو از زن چون حکایت می‌کند» https://eitaa.com/ziafat_andishe و کانال «راه سوم» <https://eitaa.com/rahesevvom> نکات خوبی را به میان آورده‌اند. موفق باشید